

ISC
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی

چالش ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰
MCII-conf.ir

مطالعه‌ای روی احسان و ابعاد آن در زندگی انسان

علیرضا محمودی فرد^a، مرضیه عباسی^b

^a دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

^b دانشجوی کارشناسی، دانشکده مدیریت صنعتی، موسسه ابرار، تهران، ایران

نویسنده مسئول: علیرضا محمودی فرد، alireza10.m10@gmail.com

چکیده: احسان به معنای نیکوکاری، از ریشه حسن گرفته شده است که به معنای نیک و پسندیده می‌باشد؛ احسان در کاربردهای قرآنی، به معنای کار نیک و پسندیده است؛ از آن جایی که احسان، از نظر عرف، عقل و شرع، امری پسندیده است، از اهمیت و جایگاه بلندی هم در رفتارهای اجتماعی برخوردار می‌باشد و هم از نظر قرآن کریم، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تکاملی بشر به‌شمار می‌رود و موجب می‌شود تا انسان به جایگاهی برسد که شایسته مقام انسانیت و کرامت و شرافت اوست که به‌عنوان خداوندی انتخاب و به کائنات معرفی شده است. مبحث این مقاله، پیرامون ابعاد احسان و موارد استفاده از آن می‌باشد؛ به‌صورت خاص، پنجاهی از بزرگان دینی از جمله ائمه اطهار و پیامبران (علیهم‌السلام) و آیاتی از قرآن کریم، مدنظر می‌باشد که ارائه شده‌اند.

کلمات کلیدی: احسان، نیکوکار، احسان به والدین، جهاد، نیکی، دین

A study on kindness and its dimensions in human life

1. Alireza Mahmoodi Fard, alireza10.m10@gmail.com

2. MarziehAbbasi, Abssimarzieh1381@gmail.com

۱. مقدمه

احسان در لغت، به معنای نیکی کردن است؛ این واژه گاهی در مورد چگونگی و نوع کاری که فرد انجام می‌دهد، به‌کار می‌رود و گاه نیز در مورد نوع تعامل فرد با دیگران، در مورد اول، احسان یا به معنای انجام کار خوب است، یا به معنای خوب انجام دادن کار؛ اما در مورد دوم، به معنای انجام کاری برای دیگری بدون چشم‌داشت است؛ تفاوت احسان با عدل نیز در همین است؛ عدل به این معناست که حق هر صاحب‌حقی ادا شود؛ به این بیان که اگر کسی به شما نیکی کرد، شما در مقابل به همان اندازه به او نیکی کنید، یا اگر برای شما کاری انجام داد، مزد او را بپردازید؛ اما احسان، آن است که برای دیگری کاری انجام دهید، اما نه در برابر کاری که او برای شما انجام داده است و نه در برابر مزدی که به شما پرداخته است [۱]؛ در قرآن مجید، احسان در هر سه معنا به‌کار رفته است؛ در روایت آمده است از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره آیه «تبلوهم ایهم احسن عملاً» [۲]، پرسیدند که نیکوکاری به چه معناست؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پاسخ دادند: تا شما را بیازماید که کدام یک از شما عاقل‌تر، از محرمات الهی پرهیزکننده‌تر و به طاعات الهی شتابان‌تر است [۳]؛ بر اساس این روایت، احسان به معنای «کار نیکو انجام دادن» و «نیکو انجام دادن» به‌کار رفته است؛ در برخی آیات نیز احسان در مورد دوم، یعنی در تعامل شخص با دیگران به‌کار رفته است؛ علامه طباطبایی (ره) در ذیل آیه «إن الله یأمر بالعدل و الإحسان و إیتاء ذی القربی ...» [۴] می‌فرماید: مراد از احسان، نیکی کردن به دیگران است، نه نیکو انجام دادن کار [۵]؛ حال که معنای احسان را دریافتیم، می‌بایست به بیان مصداق‌های آن بپردازیم تا روشن شود نیکی کردن شامل چه رفتارهایی است؛ مصداق‌های احسان را تحت دو عنوان احسان به مردم و احسان به والدین بیان می‌کنیم؛ احسان به معنای انجام دادن چیزهای عالی، یکی از ابعاد سه‌گانه دین اسلام است؛ اسلام، ایمان و احسان. در مقابل تأکیدهای اسلام (کدام کار بهتر است انجام شود و کدام کار، اخلاقی تلقی می‌شود) و ایمان (چرا بهتر است انجام شود)، عقیده احسان ابتدایی و همراه با قصد است؛ کسی که آنچه را عالی است، انجام می‌دهد، "محسن" نامیده می‌شود؛ این به‌طور معمول، جا افتاده است که شخص می‌تواند به احسان درست با کمک و هدایت الله، کسی که بر همه چیز حکومت می‌کند، دست یابد. برخی مکاتب اسلامی، احسان را به-عنوان ابعاد درونی اسلام توصیف می‌کنند، در حالی که شریعت، اغلب ابعاد بیرونی را شرح می‌دهد.

در اول بحث، بهتر است روشن شود که نه تنها هر مسلمانی، مؤمن (جزو مؤمنین و مؤمنات) است، بلکه هر انسان مؤمنی، یک مسلمان است؛ به علاوه، هر مسلمانی که به تمامی اصول اسلام اعتقاد دارد، لزوماً انسان نیکوکاری نیست؛ یک نیکی‌کننده (محسن)، جز یک شخص خوب و نیکوکار به‌طور صادقانه که هم یک مسلمان است و هم یک مومن حقیقی است، نیست [۶].

۲. متن بررسی

۱.۲. احسان و بررسی آن

یکی از اصول حاکم بر رفتار مؤمن، احسان و نیکی است؛ در آیاتی متعدد، خداوند به صراحت فرموده است نیکی‌کنندگان را دوست می‌دارد؛ در این خصوص داریم:

آیه: وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ [۷]؛

ترجمه آیه: و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت می‌رسانید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

آیه: الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي الشَّرَاءِ وَالضَّرَاءِ وَالكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ [۸]؛

ترجمه آیه: همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

همچنین در برخی آیات، خداوند به نیکی‌کنندگان مژده می‌دهد:

آیه: لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دَمَآؤَهَا وَلَكِنَّ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتَكْبُرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشَّرَ الْمُحْسِنِينَ؛

ترجمه آیه: هرگز [نه] گوشت‌های آن‌ها و نه خون‌هایشان به خدا نخواهد رسید، ولی این تقوای شماست که به او می‌رسد؛ این‌گونه خداوند آن‌ها را برای شما رام کرد، تا خدا را به پاس آنکه شما را هدایت نموده است، به بزرگی یاد کنید و نیکوکاران را مژده ده.

در پاره‌ای آیات نیز مردم را به نیکی دستور می‌دهد [۹]:

• آیه: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ [۱۰]؛

○ ترجمه آیه: در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد؛ به شما اندرز می‌دهد، باشد که پند گیرید.

احسان به والدین، خویشاوندان، یتیمان و نیازمندان نیز سفارش شده است.

• آیه: وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجَنْبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا [۱۱]؛

○ ترجمه آیه: و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و درباره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه بیگانه و هم‌نشین و در راه مانده و بردگان خود نیکی کنید که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است، دوست نمی‌دارد؛ البته این دستور، ویژه دین اسلام نیست، بلکه خداوند پیروان دیگر ادیان را نیز بدین فضیلت سفارش نموده است.

• آیه: وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ ... [۱۲]؛

○ ترجمه آیه: و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که: «جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید ...»

در سخنان پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز بر احسان، بسیار تاکید شده است؛ امام صادق (علیه‌السلام) به نقل از پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) می‌فرماید: آیا شما را خبر دهم که بهترین آفریده‌های خداوند در دنیا و آخرت چه کسانی هستند؟ بخشودن کسانی که به تو ستمی روا داشته‌اند و نیکی به کسانی که به تو بدی کرده‌اند و عطا کردن به کسی که از تو مالی را دریغ کرده است [۱۳]؛ امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیکی کردن را غنیمت، برترین ایمان، برترین شرف، رأس ایمان، زینت اسلام و برترین منقبت می‌داند [۱۴]؛ همچنین در روایتی دیگر ایشان می‌فرمایند: «اگر احسان به شکل انسانی ظاهر می‌شد، بی‌تردید در زیبایی نظیری نداشت» [۱۵] و در جایی دیگر می‌فرمایند: «پاداشی نزد خداوند سبحان، بزرگ‌تر از پاداش حاکم عادل و مرد نیکوکار نیست»؛ در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «دو چیز است که عملی معادل آن نیست: نیکو ورع داشتن و نیکی کردن به مؤمنان» [۱۶]. در برخی روایات احسان، از ویژگی‌های شخص کریم و بزرگوار شمرده شده است؛ کریم آن است که به دیگران احسان کند [۱۷]. پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام) که برای کسانی که به والدین خود نیکی می‌کردند، احترام ویژه‌ای قائل بودند؛ عمار بن حیان می‌گوید: به امام صادق (علیه‌السلام) خبر دادم که پسر اسماعیل به من نیکی می‌کند؛ امام (علیه‌السلام) فرمودند: من او را دوست می‌داشتم و اکنون محبت من نسبت به او افزون شد؛ خواهر رضاعی پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) نزد او آمد؛ هنگامی که چشم پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) به او افتاد، شاد شد و بالاپوش خود را پهن کرد و او را بر آن نشاند و با او به گفتگو نشست؛ خواهر رضاعی پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم)، پس از مدتی برخاست و رفت و برادرش آمد؛ اما پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) با او مانند خواهرش رفتار نکرد؛ از ایشان پرسیدند: چرا با وی مانند خواهرش رفتار نکردی؟ فرمودند: زیرا خواهرش بیش از وی به والدینش احسان می‌کند [۱۸].

ISC
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰
MCII-conf.ir

۲.۲. مصداق احسان به مردم

- ۱) کمک به مردم در هنگام سختی‌ها: در روایات، به کرات بر این موضوع تاکید شده است؛ امام صادق (علیه‌السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل فرمودند: کسی که مؤمنی را یاری کند، خداوند، هفتاد و سه مشکل از مشکلات او را حل می‌کند؛ یک مشکل در دنیا و هفتاد و دو مشکل در آخرت، در هنگام بلایه عظمی [۱۹]؛ در روایتی دیگر از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است: کسی که به فریاد برادر مؤمن در مانده و سردرگریان خود، در هنگام شدت گرفتاری‌اش برسد و ناراحتی او را برطرف و او را یاری کند تا به خواسته خود برسد، خداوند در برابر این کار برای او هفتاد و دو رحمت الهی می‌نویسد؛ یکی از این رحمت‌ها در دنیا شامل حال او می‌شود و امر معیشت او را اصلاح می‌کند و هفتاد و یک رحمت دیگر برای آخرت او برای سختی‌های روز قیامت ذخیره می‌شود [۲۰].
- ۲) تلاش برای رفع نیازمندی‌های مردم: از امام کاظم (علیه‌السلام) روایت شده است: خداوند در روی زمین بندگانی دارد که برای رفع نیازمندی‌های مردم می‌کوشند؛ اینان در روز قیامت، از سختی‌ها و بلاها در امان‌اند؛ کسی که مؤمنی را شاد کند، خداوند روز قیامت دل او را شاد می‌کند [۲۱]؛ در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است: بر آوردن حاجت مؤمن، بهتر از آزاد کردن هزار برده و بهتر از صدقه دادن هزار بار اسب در راه خداست [۲۲].
- ۳) گرمی داشتن مؤمنان: امام صادق (علیه‌السلام) به نقل از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: کسی که برادر مسلمان خود را با سخنی ملاطفت-آمیز و با رفع مشکلش گرمی بخشد، تا هنگامی که در این حال است، در سایه رحمت خداوند قرار دارد [۲۳].
- ۴) خدمت به مردم: امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) از قول پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر مسلمانی که گروهی از مسلمانان را خدمت نماید، خداوند در بهشت به تعداد آن‌ها به او خدمت کار می‌بخشد [۲۴].

۳.۲. مصداق‌های احسان به والدین

در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام)، برخی از مهم‌ترین مصادیق احسان به والدین بیان شده است؛ لذا با توجه به جامعیت این روایت، در اینجا به نقل آن بسنده می‌کنیم؛ ابی‌ولاد می‌گوید: از امام صادق (علیه‌السلام) در مورد این سخن خداوند عزوجل «و بالوالدین إحسانا» پرسیدم که احسان به والدین چیست؟ امام (علیه‌السلام) فرمودند: احسان این است که با آن‌ها به‌خوبی رفتار کنی و پیش از آنکه چیزی را که مورد نیازشان است از تو بخواهند، برای آنان تهیه کنی، هر چند خود آنان بتوانند آن را تهیه کنند؛ مگر خداوند نمی‌فرماید: «به مقام نیکوکاری نمی‌رسید، تا اینکه از آنچه دوست دارید، انفاق کنید؟» سپس امام (علیه‌السلام) فرمودند: اما این سخن خداوند که «اگر یکی یا هر دوی آن‌ها به سن پیری رسیدند، به آنان آف نگو و آنان را از خود مران»، مراد این است که اگر پدر و مادر موجب آزار و زحمت تو شدند، به آنان آف نگو و اگر تو را زدند، آنان را از خود مران» و اینکه خداوند فرمود: «به آنان سخنی نگو بگو»، مراد این است که اگر تو را زدند، بگو خداوند شما را بیامرزد؛ این سخن در این مقام، سخن نیکوست؛ این سخن خداوند نیز که «در برابر آنان متواضع باش و بال رحمت بر آنان بگشای»، بدین معنا است که جز با چشم‌رفت و مهربانی به آنان نگاه مکن و صداقت را بیش از صدای آن‌ها بالا مبر و بلند نکن و بر آن‌ها مقدم نشو [۲۵].

در برخی روایات، احسان به والدین، بر جهاد نیز مقدم شده است؛ امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: مردی خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! به جهاد در راه خدا، علاقه و برای این کار نشاط دارم؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمودند: در راه خدا جهاد کن؛ اگر کشته شوی، زنده‌ای و در نزد خداوند روزی می‌خوری و اگر بیرون از میدان جنگ بمیری، مزد تو به‌عهده خداوند است و اگر سالم برگردی، مانند روزی که متولد شدی، از گناهان پاک برگشته‌ای؛ مرد عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادری دارم سالخورده که گمان دارند به من انس گرفته‌اند و دوست ندارند به جهاد بروم؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: نزد آنان بمان؛ سوگند به آنکه جانم در دست اوست، انس گرفتن یک شبانه‌روز آنان با تو، بهتر از یک سال جهاد در راه خداست [۲۶].

۴.۲. منشا احسان

اسلام در اولویت‌بندی احسان به دیگران، والدین را در اولویت نخست و پس از آن خویشاوندان و در رتبه سوم، احسان به دیگران را قرار داده است؛ علامه طباطبایی (ره) در ذیل آیه ۸۳ از سوره بقره [۲۷] می‌فرماید: خداوند در این آیه، به‌ترتیب اهمیت، به مردم دستور داده نخست به والدین، سپس به خویشاوندان احسان کنند؛ در میان خویشاوندان نیز یتیم را بر دیگران مقدم کرده و در آخر فقرا را بیان کرده است [۲۸]؛ در موارد متعددی نیز خداوند، احسان به والدین را پس از پرستش خداوند یگانه بیان کرده است که این خود گویای مدعای ماست؛ از سوی دیگر، نیز خداوند به کرات عقوق والدین را بعد از شرک به خداوند بیان کرده است که نشان می‌دهد عقوق والدین، از بزرگ‌ترین گناهان است [۲۹].

اما چرا احسان به والدین، از چنین جایگاه بلندی در نظام اخلاقی اسلام برخوردار است؟ در پاسخ می‌توان به دو مطلب اشاره کرد: نخست آنکه از یک سو، به مقتضای حکم عقل، پاداش نیکی جز نیکی نیست و شرع نیز همین حکم را تایید می‌کند:

• آیه: هل جزاء الإحسان إلا الإحسان [۳۰]؛

○ ترجمه آیه: مگر پاداش احسان جز احسان است؟

از سوی دیگر، پدر و مادر پس از خداوند، بزرگ‌ترین ولی‌نعمت فرزندان هستند؛ زیرا اصل وجود آن‌ها، از والدین است و پس از آن نیز پرورش فرزندان و رشد آن‌ها مرهون زحمات آن‌هاست؛ بنابراین فرزندان نیز به حکم عقل می‌باید به والدین خود نیکی کنند؛ دوم آنکه اگر فرزندان به والدین خود نیکی نکنند، چنان‌که علامه طباطبایی (ره) گفته است افراد انگیزه‌ای برای تشکیل خانواده و توالد و تربیت فرزندان نخواهند داشت و در نتیجه به‌تدریج جامعه بشری از میان خواهد

ISC
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی

چالش ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰
MCII-conf.ir

رفت [۳۱]؛ احسان به دیگران نیز امری ضروری است؛ چرا که آنان هم‌نوعان انسان هستند و جملگی‌شان فرزندان یک پدر و مادرند که این مستلزم احسان و نیکی به آن‌هاست؛ بدین سبب امام علی (علیه‌السلام) در نامه خود به جناب مالک اشتر (علیه‌السلام) می‌نویسد: قلب خود را از مهربانی و محبت و لطف به آنان [مردم مصر] مالا مال کن و چون گرسنگ آدم‌خواری مباش که خوردن مردم را غنیمت می‌شمارد؛ چرا که مردم دو دسته‌اند: یا برادر دینی تو هستند یا هم‌نوع تو [۳۲]؛ در این روایت، امام (علیه‌السلام) احسان و محبت به مردم مصر را بر دو پایه برادری دینی و هم‌نوعی استوار می‌کند. در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است: همانا مؤمنان برادرند؛ فرزندان یک پدر و مادرند و هرگاه یکی از آن‌ها دچار مشکلی شود، دیگران نیز دچار بی‌خوابی می‌شوند [۳۳]؛ در این روایت نیز امام (علیه‌السلام) هم‌دردی مؤمنان با یکدیگر را ناشی از داشتن یک پدر و مادر می‌داند؛ البته بدیهی است افرادی به سبب نزدیکی و تعامل بیشتری که با فرد دارند، در مقایسه با دیگران، سزاوارتر به احسان هستند؛ از این‌رو در قرآن، خویشان در رتبه دوم قرار گرفته‌اند [۳۴].

۵.۲. آثار احسان

احسان به دیگران، پیامدهای بسیاری دارد که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. همراهی خداوند: بر اساس برخی از آیات، خداوند همواره همراه نیکی‌کننده است و او را در مشکلات یاری می‌کند.
 - آیه: *إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ* [۳۵]؛
 - ترجمه آیه: در حقیقت، خدا با کسانی است که پروا داشته‌اند و با کسانی است که آن‌ها نیکوکارند.
۲. محبوبیت: کسی که به دیگران نیکی می‌کند، محبوب آن‌ها می‌شود؛ امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: با احسان، دل دیگران به دست می‌آید؛ احسان و نیکی به دیگران، سبب محبت است؛ آنکه احسانش زیاد شود، مردم او را دوست می‌دارند [۳۶].
۳. بزرگی و عظمت: کسی که به مردم نیکی کند، در نظر آنان بزرگی و عظمت می‌یابد؛ در کلمات گهربار امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) آمده است نیکی عین آقایی است؛ به مردم نیکی کن تا ارج و قدرت افزون گردد؛ هرگاه نیکی‌ها افزون و تحمل زیاد شود، جلالت و بزرگی، محقق بزرگی و بلندی مرتبه با احسان است [۳۷].
۴. جلب نعمت و دفع بلا: کسی که به دیگران نیکی می‌کند، دیگران نیز در مقابل به او نیکی می‌کنند و از این راه نعمت‌های وی زیاد و بلاها از او دفع می‌گردد. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: نیکی کن تا به تو نیکی کنند؛ نیکی نعمت‌ها را جاری و بلاها را برمی‌گرداند [۳۸].
۵. سرکوبی دشمنان و اصلاح آنان: معمولاً مردم می‌پندارند بهترین راه برای از میان برداشتن دشمنی‌ها و کارهای ناشایست، مقابله به مثل است؛ حال آنکه بر اساس مبانی دینی، بهترین راه برای مقابله با زشت‌کاری‌ها نیکی کردن است، زیرا این کار موجب می‌شود دور و تسلسل باطل خشونت و زشت‌کاری قطع شود و از سویی دشمن نیز به خود آمده، از کرده‌های خود پشیمان گردد؛ البته این روش همیشه و در مورد همه افراد کارایی ندارد، اما در بیشتر موارد موفقیت‌آمیز است؛ سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز بر همین اصل استوار بود؛ چنان‌که به هنگام فتح مکه، همه مشرکان را بخشید؛ علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: نیکی کردن تو به دشمنان و حسودانی که با تو حله کرده‌اند، برای آنان بسیار ناراحت‌کننده‌تر از زشت‌کاری تو به آن‌هاست و این کار آنان را به اصلاح فرا می‌خواند [۳۹].

۶.۲. راه نیکوکار شدن

احسان به دیگران از دو چیز مایه می‌گیرد: نخست احسانی که دیگران به شخص کرده‌اند و دوم هم‌نوعی و ریشه در پدر و مادر واحد داشتن؛ بنابراین نخستین شرط برای ایجاد انگیزه احسان به دیگران، توجه یافتن به این مطلب است؛ اما این به تنهایی کافی نیست؛ زیرا چه‌بسا موانعی در کار است که نمی‌گذارند انگیزه احسان به فعلیت برسد [۴۰].

یکی از موانع مهم احسان به دیگران، به‌ویژه والدین، تکبر و غرور است؛ خداوند در ادامه آیه‌ای که در آن به احسان به والدین و نزدیکان امر می‌کند، می‌فرماید: *إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ مَنْ كَانَ مَخْتَالًا فُخُورًا* [۴۱]؛ خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است، دوست نمی‌دارد؛ برخی مفسران گفته‌اند با توجه به این آیه، تکبر یکی از مهم‌ترین علت‌های سر باز زدن از ادای حقوق مردم به‌ویژه والدین است [۴۲]؛ بنابراین برای رسیدن به مقام احسان می‌باید نخست به منشأ احسان، یعنی ولی‌نعمتی مصنوعی توجه یافت و سپس مانع احسان، یعنی تکبر و غرور را از میان برداشت.

۷.۲. کارکردهای اجتماعی احسان

از کارکردها و نقش سازنده احسان می‌توان در حوزه عمل اجتماعی، به احسان به‌عنوان عامل ایجاد صمیمیت و دوستی میان انسان‌ها اشاره کرد که خداوند بیان می‌کند: هر کس و یا جامعه‌ای بخواهد به سعادت دنیوی و آرامش و آسایش زندگی این جهانی دست یابد، می‌بایست از احسان و نیکوکاری به‌عنوان یکی از اسباب و عوامل آن توجه کند [۴۳]. خداوند در آیه ۱۴۸ سوره آل‌عمران و نیز ۳۰ سوره نحل و ۱۰ سوره زمر، به این نکته توجه می‌دهد و از مردم می‌خواهد که حتی اگر خواهان سعادت و خوشبختی دنیوی هستند، می‌بایست به احسان و نیکوکاری به‌عنوان عاملی از عوامل خوشبختی فرد و جامعه توجه کنند [۴۴].

خداوند از کارکردهای اجتماعی احسان، به آبرومندی اشاره می‌کند؛ هر چند که آیه ۲۶ سوره یونس این اثر و کارکرد را برای آخرت بیان می‌کند، ولی می‌توان دریافت که خداوند که در آخرت به سبب احسان و نیکوکاری شخص به حفظ آبروی او اقدام می‌کند، به طریق اولی بر حفظ آبروی شخص نیکوکار در دنیا نیز

ISC
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی

چالش ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰
MCII-conf.ir

اقدام می‌کند؛ بر این اساس می‌توان گفت که انسان‌ها برای حفظ آبروی خویش و ظهور و تجلی خداوند به نام ستار و غفار می‌بایست از ابزار احسان بهره گیرند، تا در سایه ستاربت خداوند قرار گرفته و آبروی خویش را در جامعه حفظ کنند [۴۵].

از کارکردهای دیگری که برای احسان می‌توان بیان کرد، بهره‌مندی از امدادهای غیب و خاص خداوندی است که در آیات ۱۱۴ و ۱۲۱ سوره صافات اشاره شده است که در گزارش امدادهای غیبی به حضرت موسی (علیه‌السلام) و قوم بنی اسرائیل بیان شده است؛ خداوند در این آیات بیان می‌کند که خداوند به سبب احسان بنی اسرائیل در دوره اسارت خویش در مصر آنان را مورد توجه خاص قرار داده و با امدادها و نصرت‌های ویژه آنان را بر دشمنان خویش غلبه و چیره داده است [۴۶].

اعطای قدرت و منزلت اجتماعی نیز از دیگر کارکردهای احسان به‌ویژه در حوزه عمل اجتماعی است؛ این مطلب شاید امری طبیعی باشد، زیرا کسی که به دیگری چیزی را می‌بخشد تا نیاز کسی را برآورده سازد و یا با کمک و یاری شخصی او را کمک می‌کند تا به نیازهای خود پاسخ درست و مناسب دهد، در چشم و دل مردم جا باز می‌کند و محبوب آن‌ها می‌شود و این‌گونه است که با محبوبیت در میان مردم، از منزلت و اعتبار اجتماعی نیز بهره‌مند خواهد شد [۴۷].

۸.۲. کارکردهای شخصی احسان

از کارکردهای شخصی در حوزه امور معنوی دنیوی نیز می‌توان به موفقیت و توفیق شخص در امتحانات الهی اشاره کرد که خداوند در آیات ۱۰۵ و ۱۰۶ بدان توجه می‌دهد و بیان می‌دارد که یکی از علل توفیق حضرت ابراهیم (علیه‌السلام)، این بوده است که وی اهل احسان بوده و از جرگه نیکوکاران شمرده می‌شد [۴۸].

رهایبی از اندوه و غم‌های بزرگ از دیگر آثاری است که خداوند در آیات ۷۵ تا ۸۰ سوره صافات و نیز ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۲۱ همین سوره برای احسان برمی‌شمارد؛ بر این اساس اگر کسی گرفتار اندوه و غمی بزرگ است، می‌تواند با احسان و نیکوکاری نسبت به دیگران خود را از رنج و اندوه و غم برهاند؛ افزون بر کارکردهایی از این دست می‌توان احسان و نیکوکاری را عاملی مهم برای دستیابی به مقامات و کمالات انسانی نیز برشمرد؛ خداوند بیان می‌کند کسی که طالب علم و حکمت است می‌تواند با بهره‌گیری از ابزار احسان و نیکوکاری خود را به این مقامات برساند و از فواید آن بهره‌مند شود [۴۹].

خداوند برخورداری افراد از علم و دانش الهی را ثمره و میوه احسان و نیکوکاری اشخاص برمی‌شمارد و در آیه ۲۲ سوره یوسف و نیز ۱۴ سوره قصص، برخورداری حضرت یوسف (علیه‌السلام) و حضرت موسی (علیه‌السلام) را به علم و دانش خاص به سبب احسان و نیکوکاری آنان برمی‌شمارد و از مردم می‌خواهد که با پیروی از این دو نمونه و سرمشق انسانیت، برای دستیابی به علم و دانش خاص از احسان و نیکوکاری بهره‌مند شوند و آن را نادیده نگیرند [۵۰].

خداوند در آیات ۱۱۴ تا ۱۲۱ سوره صافات حتی بهره‌مندی از علم کتاب آسمانی و دستیابی به آن را به سبب احسان و قرار گرفتن در این مقام برمی‌شمارد؛ در حقیقت تنها کسانی که کتاب آسمانی دست می‌یابند و یا از علم و دانش آن برخوردار خواهند شد که اهل احسان شوند و به‌عنوان محسن از آنان یاد شود [۵۱]. آیات ۲۲ سوره یوسف و ۱۴ سوره قصص، دستیابی انسان به مقام داوری و حکومت و ولایت را به‌سبب احسان می‌داند و در حقیقت تأکید می‌کند تنها کسانی می‌توانند در مقام حکومت و داوری و حکمیت قرار گیرند که اهل احسان باشند و مردم ایشان را به این نام بشناسند [۵۲]؛ زیرا احسان عامل جلب محبت دیگران و پذیرش قدرت و حکومت و حکمیت آنان است؛ به‌ویژه کسانی که اهل احسان هستند و مردم ایشان را به این نام می‌شناسند، در میان مردم برخوردار از نام نیک [۵۳] می‌باشند و از منزلت اجتماعی سود می‌برند [۵۴].

۳. نتیجه‌گیری

در این مقاله، در خصوص احسان مطالعه‌ای انجام شده و ابعادی از آن بررسی شد؛ بیان شد که احسان به معنای نیکوکاری، از ریشه حسن گرفته شده که به معنای نیک و پسندیده است؛ در کاربردهای قرآنی، به معنای کار نیک و پسندیده است؛ از آن جایی که احسان، از نظر عرف و عقل و شرع امری پسندیده است، از اهمیت و جایگاه بلندی هم در رفتارهای اجتماعی برخوردار می‌باشد و هم از نظر قرآن، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تکاملی بشر به‌شمار می‌رود و موجب می‌شود تا انسان به جایگاهی برسد که شایسته مقام انسانیت و کرامت و شرافت اوست که به‌عنوان خداوندی انتخاب و به کائنات معرفی شده است. در این مقاله، به درجات و انواع احسان در زندگی روزمره اشاره شد؛ همچنین احادیثی از پیامبران و ائمه (علیهم‌السلام) و آیات و سوره‌های قرآن کریم ذکر شد که در آن نصایح بسیار زیبایی در مورد احسان ارائه شده است؛ توصیه می‌شود که از احادیث و آیات بسیار کاربردی، در زندگی استفاده شود.

منابع

[۱] محمدحسین طباطبایی، المیزان، جلد ۱۲، صفحه ۳۵۴ و جلد ۱، صفحه ۵۱۷.

[۲] سوره کهف (سوره ۱۸)، آیه ۷.

[۳] محمدحسین طباطبایی، المیزان، جلد ۱۳، صفحه ۲۵۹.

[۴] قرآن کریم، سوره نحل (سوره ۱۶)، آیه ۹۰.

ISC
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی
مركز آموزش و کاربردی سازهان مدیریت صنعتی

چالش ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰
MCII-conf.ir

- [۵] محمدحسین طباطبایی، المیزان، جلد ۱۲، صفحه ۳۵۴.
- [۶] محمد داوودی، کتاب اخلاق اسلامی، صفحه ۹۸.
- [۷] قرآن کریم، سوره بقره (سوره ۲)، آیه ۱۹۵.
- [۸] قرآن کریم، سوره آل عمران (سوره ۳)، آیه ۱۳۴.
- [۹] قرآن کریم، سوره حج (سوره ۲۲)، آیه ۳۷.
- [۱۰] قرآن کریم، سوره نحل (سوره ۱۶)، آیه ۹۰.
- [۱۱] قرآن کریم، سوره نساء (سوره ۴)، آیه ۳۶.
- [۱۲] قرآن کریم، سوره بقره (سوره ۲)، آیه ۸۳.
- [۱۳] محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، جلد ۲، صفحه ۱۰۷.
- [۱۴] تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، صفحه ۳۸۲.
- [۱۵] قرآن کریم، سوره همان، صفحه ۳۸۳.
- [۱۶] قرآن کریم، سوره همان.
- [۱۷] همان، صفحه ۱۳۸۴.
- [۱۸] محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، جلد ۲، صفحه ۲۰۰.
- [۱۹] قرآن کریم، سوره همان.
- [۲۰] همان، صفحه ۱۹۳.
- [۲۱] قرآن کریم، سوره همان.
- [۲۲] همان، صفحه ۲۰۷.
- [۲۳] همان، صفحه ۲۰۸.
- [۲۴] قرآن کریم، سوره همان.
- [۲۵] محمد داوودی، کتاب اخلاق اسلامی، صفحه ۱۰۷.
- [۲۶] همان، جلد ۲، صفحه ۱۵۷.
- [۲۷] همان، صفحه ۱۶۱.
- [۲۸] قرآن کریم، سوره بقره (سوره ۲)، آیه ۳.
- [۲۹] محمدحسین طباطبایی، المیزان، جلد ۱، صفحه ۲۲۱.
- [۳۰] همان، جلد ۷، صفحه ۳۹۶.

ISC
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰
MCII-conf.ir

- [۳۱] قرآن کریم، سوره الرحمن (سوره ۵۵)، صفحه ۶۰.
- [۳۲] محمدحسین طباطبایی، المیزان، جلد ۷، صفحه ۳۹۶.
- [۳۳] نهج البلاغه، صفحه ۴۲۷.
- [۳۴] محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۵.
- [۳۵] قرآن کریم، سوره نحل (سوره ۱۶)، آیه ۱۲۸.
- [۳۶] عبد الواحد تمیمی آمدی، کتاب غررالحکم و دررالکلم، صفحه ۳۸۵.
- [۳۷] همان.
- [۳۸] همان.
- [۳۹] همان، صفحه ۳۸۷.
- [۴۰] محمد داوودی، کتاب اخلاق اسلامی، صفحه ۱۰۸.
- [۴۱] قرآن کریم، سوره نسا (سوره ۴)، صفحه ۳۶.
- [۴۲] مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۸۷.
- [۴۳] قرآن کریم، سوره فصلت، آیه ۳۴.
- [۴۴] قرآن کریم، سوره آل عمران (سوره ۳)، آیه ۱۴۸، سوره نحل (سوره ۱۶)، آیه ۳۰ و سوره زمر (سوره ۳۹)، آیه ۱۰.
- [۴۵] قرآن کریم، سوره یونس (سوره ۱۰)، آیه ۲۶.
- [۴۶] قرآن کریم، سوره صافات (سوره ۳۷)، آیات ۱۱۴ و ۱۲۱.
- [۴۷] قرآن کریم، سوره یوسف (سوره ۱۲)، آیه ۵۶.
- [۴۸] محمد داوودی، کتاب اخلاق اسلامی، صفحه ۱۰۲.
- [۴۹] قرآن کریم، سوره صافات (سوره ۳۷)، آیات ۷۵ تا ۸۰ و آیات ۱۱۴، ۱۱۵ و ۱۲۱.
- [۵۰] قرآن کریم، سوره قصص (سوره ۲۸)، آیه ۱۴.
- [۵۱] قرآن کریم، سوره صافات (سوره ۳۷)، آیات ۱۱۴ تا ۱۲۱.
- [۵۲] قرآن کریم، سوره یوسف (سوره ۱۲)، آیه ۲۲ و سوره قصص (سوره ۲۸)، آیه ۱۴.
- [۵۳] قرآن کریم، سوره صافات (سوره ۳۷)، آیات ۱۰۴ تا ۱۲۱ و نیز ۷۵ تا ۸۰.
- [۵۴] قرآن کریم، سوره یوسف (سوره ۱۲)، آیه ۵۶.